

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون

بحثی که در این جلسه مطرح خواهیم کرد کریمه 85 از سوره بقره است. اُفتومنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض ... در این کریمه اشاره می شود که قوم بنی اسرائیل جاهایی از تورات و وحی بر جناب موسی که به نفعشان بود اخذ می کردند اما جاهایی که به ضرر آنها بود یا برایشان زحمت داشت رها می کردند. آیه از این کار ملامت می کند و می فرماید: کتاب یک بسته است و باید همه آن را پذیرفت. به بهانه تفسیر این آیه برخی نکات را در مورد تبعیض در ایمان عرض می کنیم؛ مخصوصاً که تبعیض بلیه همه دوران ها بوده است و اختصاص به بنی اسرائیل ندارد.

تبعیض گاهی در معرفت دینی است گاه در ایمان و گاه در عمل شخصی و گاه در تحقیق دین و عینیت بخشیدن به دین است. تبعیض در معرفت این است که انسانی آگاهانه یا نا آگاهانه بخشی از دین را معرفت پیدا بکند و بخشی را نفهمد؛ ما در اطراف خودمان افراد زیادی را داریم که بخشی از دین را می گیرند اما چون مطالعاتشان کامل نیست بخشی را رها می کنند. حتی در بین اساتید و حوزویان داریم کسانی که یک بخشی را می گیرند اما بخش دیگر را نمی گیرند؛ عام را می گیرند اما مخصص را نمی گیرند و... در نهج البلاغه شریف هست که چرا اشخاص با هم اختلاف می کنند و... که امام علیه السلام به تبعیض در معرفت اشاره می کنند.

تبعیض گاهی در ایمان است یعنی معرفت دارد می داند که این گزاره دینی است اما می گوید من ایمان نمی آورم ولو پیامبر معصوم کنارش باشد.

تبعیض در عمل شخصی: کسی معرفت دارد قبول هم دارد اما در مقام عمل بخشی را می گیرد و بخشی را نمی گیرد. من می شناسم اشخاصی را که نماز ظهر و عصر را جماعت می خواند اما نماز صبح نمی خواند یا نماز می خواند روزه نمی گیرد. یا این دو را انجام می دهد اما خمس نمی دهد و...

تبعیض در تحقیق دین: در جایی که دین می خواهد عینیت پیدا کند تبعیض می شود. این در حکومت های اسلامی خیلی نقش آفرینی می کند مثلاً در جایی که به نفع حاکمیت باشد گزاره دینی را می گیرند اما جای که نباشد رها می کنند گویا نهی از منکرشان فقط بخشی را می گیرد که در راستای منافع حاکمیت باشد.

مطلب دیگر: چرا تبعیض به وجود می آید؟ عوامل آن چیست؟

1. جهل و عدم فهم جامع دین: به تعبیر ما در نظام حلقوی و هرمی دین را نمی فهمد داستان انار دزد و بخشش نان را بارها گفته ایم.

2. منفعت طلبی و راحت طلبی: کسی که شعار حسبنا کتاب الله را داد و... قصد غصب خلافت را داشت.

3. تعصب و لجاجت

مطلب دیگر: این نکته مخوف و محذر است. تبعیض گاهی آگاهانه است و گاهی نا آگاهانه؛ ما باید از تبعیض نا آگاهانه بترسیم و واهمه داشته باشیم. آقایان اخباری می گفتند ما باید قرآن را کنار بگذاریم چون ظهور قرآن حجت نیست یا ظهور ندارد و به سراغ روایات برویم.

این تفکر حتی الان هم دیده می شود. کسی که می گوید باید احادیث را مباحثه کنیم و به متن دروس حوزه بیاوریم و... حرفش خوب است و دغدغه دارد اما این حرف ممکن است به تبعیض نا آگاهانه منجر شود وسائل الشیعه اگر کنار قرآن و عقل دیده شود خوب است. اما اگر فقط وسائل را مباحثه کنیم تبعیض نا آگاهانه رخ می دهد و دچار اخباریگری می شویم.

ما اگر دقت کردید فقره 83 تا 86 را در جلسه قبل بررسی می کردیم البته نکات دیگری نیز در این آیات هست اما ما عبور می

کنیم. ما در این آیات مصادیق 7 گانه میثاق را اشاره کردیم؛ نگاه قرآن به جامعه را بیان کردیم و گفتیم قرآن با تعبیر انفسکم و دومائکم و... می خواهد بفرماید که جامعه بسته واحدی است که اگر یک جا به مشکل بخورد جاهای دیگر نیز به مشکل می خورد.

امروز من گزارشی از آیات 87 تا 102 می دهم. در آیه 87 خداوند می فرماید: **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ**

خداوند اشاره به پیامبران بعد از حضرت موسی می کند و سپس اشاره به حضرت عیسی می کند و تایید او به روح القدس را بیان می کند. فقط راجع به ایدناه بروح القدس من مطلبی دارم که به آن خواهم پرداخت. بعد هم اشاره به حالات بد بنی اسرائیل و اهل کتاب دارد.

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ. بنی اسرائیل مسخره می کردند و می گفتند قلب ما غلف است خداوند می فرماید: همین طور است قلب شما واقعاً غلف است.

سوال چراغلف را به قلب نسبت می دهند؟ آیا منظور قلب صنوبری است یا قوه مدرکه؟ اگر قوه مدرکه باشد بیشتر به روح و مغز ارتباط برقرار می کند. من چندین بار گفته ام که قرآن چیزهای را که دانش امروز به مغز نسبت می دهد را به قلب نسبت می دهد. در اینجا برخی از مفسران جدید مثل تفسیر نمونه می گویند در اینجا قلب صنوبری مراد نیست بلکه قوه مدرکه که از فعل و انفعالات مغز صورت می گیرد است. چرا که قلب صاحب ادراک نیست و مانند کلیه و کبد می ماند.

استاد: من مقاله ای را اخیراً خواندم و فکر می کنم زمانی در تلوزیون برنامه ای بود که می خواست ثابت کند همین قلب صنوبری که درون سینه است صاحب ادراک است و مغزی که صاحب ادراک است را هم باید به قلب نسبت داد. لذا در جایی که قرآن می فرماید: **لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَسْمَعُونَ** بها و... مراد همین قلب صنوبری است. جالب است که گفته شده بعد از عمل پیوند قلب تاثیراتی روی اخلاق و رفتار رخ می دهد اما این تغییر را در پیوند کلیه و... نگفته اند. این بحث قابل پیگیری است و می شود مورد تحقیق قرار گیرد. اینکه قرآن چه چیزهای را به قلب نسبت می دهد و چه چیزهای را به روح نسبت می دهد. سپس دانش روز را ملاحظه کند و... اگر به این نتیجه برسیم که قلب صنوبری است که درک می کند و... دیگر لازم نیست قلب را تفسیر به مغز بکنیم و...

آیه 89: **وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ.** این آیه می رساند که چقدر پیامبران ما مظلوم بوده اند. وقتی قرآن نازل شد و پیامبر امین آمد این کتاب درگیر با مقدسات آنها نبود بلکه کتاب آنها را نیز تصدیق می کرد. اما با این حال به پیامبر کافر شدند. خداوند می فرماید: رحمت من از این ها دور باد. در جای دیگر این سوره است که این ها پیامبر را مثل فرزندان شان می شناختند. طبیعتاً تعصب، منفعت طلبی و... سبب شده بود که این ها به پیامبر ایمان نیاورند.

آیات بعد را من توصیه می کنم مطالعه کنید.

در کریمه 93 می فرماید: **وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَايَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.** در قلوب بنی اسرائیل محبت گوساله اشراب شده است. چهره اینها چهره انسان است ولی به گوساله (نماد کفر و مخالفت با موسی) تمایل داشتند. گاهی اوقات محبت به یک چیز سبب می شود آن چیز جز وجود آدم شود بعید نیست اینها در قیامت هم گوساله محشور شوند. بعید نیست عده ای در آخرت که تبلی السرائر است به صورت دینار، پست، گوساله و... محشور شوند.

الحمد لله رب العالمین